

Original Article

The Pathology of Desired (Eligible) Legal Support for Elderly Victims in the Iranian Penal System (with a Look at International Documents and American Law)

Mehdi Davoudi¹, Hassan Haji Tabar Firoozjani^{2*}, Mahdi Kazemi Jouybari³

1. Ph.D. Student in Criminal Law and Criminology, Islamic Azad University, Ayatollah... Amoli Branch, Amol, Iran.

2. Assistant Professor, Department of Criminal Law and Criminology, and Member of the Faculty, Islamic Azad University, Ghaemshahr Branch, Ghaemshahr, Iran. (Corresponding Author) Email: hajitabar@yahoo.com

3. Assistant Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Faculty of Law, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran.

Received: 5 Apr 2020 Accepted: 1 Aug 2020

Abstract

Background and Aim: Today, due to extensive studies on the victim as another actor in the criminal phenomenon, and also with the advent of the science of victimology, the victim is no longer considered as a secret element of crime and his real position and rights are not kept in the margins; Hence, we are witnessing a different approach to the victims of crime, especially the elderly victims of the past. These studies also cover a wide and diverse range, which includes: The victim's own influence in the process of realizing the crime to address the issue of what support he or she needs after being victimized.

Materials and Methods: The authors, due to the lack of comprehensive and obstructive research on the protection of elderly victims, and in particular its comparative study with the United States, which has been innovative, In the present article, using a descriptive-analytical method, the desired legal protection of elderly victims in the Iranian penal system is explained and evaluated by looking at international documents and American law.

Findings: Therefore, the findings of the forthcoming research on the protection of elderly victims are a new perspective in the law of most countries that has opened the impact of moral and ideological motives on victimology to victims. Therefore, since the social vulnerability of the elderly is higher than criminal phenomena, it is necessary that the level of legislative, judicial and executive support for the elderly victims of violence be wider.

Ethical Considerations: In order to organize this research, while observing the authenticity of the texts, honesty and fidelity have been observed.

Conclusion: In the present study, it will be observed that the diversity of layers and dimensions of criminal policy, in relation to support victimology, makes it possible to lead to a multidimensional support structure which is based on legislative criminal policy. On the other hand, in order to protect the rights of victims in the international arena, the need for more documents in this regard is felt.

Keywords: Legal Protection; Elderly Victim; Criminal Phenomenon; Iran and US Law; International Documents

Please cite this article as: Davoudi M, Haji Tabar Firoozjani H, Kazemi Jouybari M. The Pathology of Desired (Eligible) Legal Support for Elderly Victims in the Iranian Penal System (with a Look at International Documents and American Law). *Iran J Med Law, Special Issue on Human Rights and Citizenship Rights 2020; 391-406.*

آسیب‌شناسی حمایت حقوقی مطلوب از بزه‌دیدگان سالمند در نظام کیفری ایران (با نگاهی به اسناد بین‌المللی و حقوق امریکا)

مهدی داودی^۱، حسن حاجی‌تبار فیروزجایی^{۲*}، مهدی کاظمی جویباری^۳

۱. دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد آیت‌الله امین، آمل، ایران.

۲. استادیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی و عضو هیأت‌علمی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد قائم‌شهر، قائم‌شهر، ایران. (نویسنده مسؤول)

Email: hajitabar@yahoo.com

۳. استادیار گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

دریافت: ۱۳۹۹/۱/۱۷ پذیرش: ۱۳۹۹/۵/۱۱

چکیده

زمینه و هدف: امروزه در اثر مطالعات گسترده‌ای که پیرامون بزه‌دیدگی، به عنوان دیگر کنشگر پدیده مجرمانه صورت گرفته و همچنین با ظهور علم بزه‌دیدگی‌شناسی، بزه‌دیدگی دیگر به عنوان رکن مخفی جرائم به شمار نمی‌آید و جایگاه واقعی و حق وی در حاشیه نیست. از این رو شاهد رویکرد متفاوتی نسبت به قربانیان جرم، خاصه سالمندان بزه‌دیدگی از گذشته می‌باشیم. این مطالعات نیز طیف گسترده و متنوعی را شامل می‌شود که اجمالاً عبارت است از: تأثیر خود بزه‌دیدگی در فرایند تحقق امر مجرمانه تا پرداختن به این بحث که او پس از بزه‌دیدگی به چه حمایت‌هایی نیازمند است.

مواد و روش‌ها: نگارندگان با توجه به عدم وجود تحقیقی جامع و مانع در خصوص حمایت از بزه‌دیدگان سالمند و خاصه بررسی تطبیقی آن با کشور آمریکا که دارای نوآوری است، در نوشتار پیش رو با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی، حمایت حقوقی مطلوب از بزه‌دیدگان سالمند را در نظام کیفری ایران با نگاهی به اسناد بین‌المللی و حقوق امریکا مورد تبیین و ارزیابی قرار داده‌اند.

یافته‌ها: بنابراین یافته‌های پژوهش پیش رو پیرامون حمایت از بزه‌دیدگان سالمند، چشم‌انداز جدیدی در حقوق اکثر کشورها بوده است که تأثیرگذاری انگیزه‌های اخلاقی و ایدئولوژیکی بر بزه‌دیدگی‌شناسی را فراروی بزه‌دیدگی‌شناسان گشوده است، لذا از آنجایی که آسیب‌پذیری اجتماعی اشخاص سالمند نسبت به پدیده‌های مجرمانه بیشتر بوده، اقتضا می‌کند تا میزان حمایت تقنینی، قضایی و اجرایی از سالمندان قربانی خشونت نیز وسیع‌تر باشد.

ملاحظات اخلاقی: در تمام مراحل نگارش پژوهش حاضر، ضمن رعایت اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

نتیجه‌گیری: در پژوهش حاضر مشاهده خواهد شد تنوع و گوناگونی لایه‌ها و ابعاد سیاست جنایی، در ارتباط با بزه‌دیدگی‌شناسی حمایتی، این امکان را می‌یابد که به یک ساختار چندبعدی حمایتی منجر شود که اصل و اساس آن را سیاست جنایی تقنینی می‌سازد. از طرفی دیگر نیز در راستای حمایت از حقوق بزه‌دیدگی در عرصه بین‌المللی، لزوم تدوین اسناد بیشتر در این خصوص محسوس می‌باشد.

واژگان کلیدی: حمایت حقوقی؛ بزه‌دیدگی سالمند؛ پدیده مجرمانه؛ حقوق ایران و آمریکا؛ اسناد بین‌المللی

مقدمه

امروزه مسأله کرامت انسانی و آسیب‌پذیر بودن انسان در برابر برخی رفتارهای هم‌نوعان خویش سبب شد تا توجه به رفتارهای خطا کارانه بشری، به منزله کانون مطالعاتی قربانی شناسی تثبیت شود. بررسی جایگاه بزه‌دیده سالمند به عنوان یکی از ارکان مهم پدیده جنایی، از سویی دیگر پذیرش نقش فعال بزه‌دیده در شروع امر تعقیب و رسیدگی‌های جزایی و تأثیر نقش اراده او به عنوان منشأ فرایند کیفری در اجرا و نیز سقوط مجازات، زمینه توجه به مجنی‌علیه سالمند را فراهم می‌سازد. سیاست کیفری متبوع حقوق جزای اسلامی با توجه به شرایط خاصی که به دنبال کنش جنایی متوجه متضرر از جرم (خاصه سالمندان که در معرض آماج جرائم هستند)، دستگاه عدالت کیفری را موظف به اجرای اقداماتی کرده که ترمیم صدمات و خسارات بزه‌دیده سالمند را در حد امکان فراهم آورد. جامعه و سیستم قضایی کیفری، برای حمایت از بزه‌دیدگان سالمند، زمانی می‌تواند اقدامات مؤثر و ساختاری هدفمند ارائه دهند که هر دو، در تمام شوون خود، از جمله در ابعاد مشارکتی، تقنینی، قضایی و اجرایی، راهکارها و اقدامات خود را به کار ببندند تا هرچه بیشتر و بهتر از حقوق سالمندان بزه‌دیده محافظت و از عوامل آسیب‌زا ممانعت به عمل آورند که در عین فراهم‌ساختن سازوکارها برای جبران و ترمیم خسارات، از بسترسازی برای پیشگیری از وقوع بزه علیه سالمندان نیز غفلت نشود.

به همین منظور تئوری حمایت از اشخاص آسیب‌پذیر (خاصه سالمندان)، فراتر از مقوله جبران مادی است و با تأکید بر حمایت‌های مالی یا اقتصادی و با هدف احقاق حق و جبران واقعی تبعات و نتایج بزه‌دیدگی، به ترمیم درد و رنج عاطفی ناشی از جرم پرداخته که تحقق این مهم را در فضای یک ساختار چندبعدی حمایتی (مالی، عاطفی یا حیثیتی، شکلی، پزشکی و اجتماعی) دنبال می‌کند.

نظر به این‌که دستیابی به این‌گو در گرو یک سیاست جنایی مطلوب بوده، بنابراین سنگ بنای آن را باید در چارچوب حمایت کیفری و سیاست جنایی تقنینی حمایت‌مدار از اقشار آسیب‌پذیر (خاصه سالمندان) دانست.

نوشتار پیش رو در سه بخش مجزا تحت عناوین «مفهوم شناسی و گونه‌شناسی»، «شناسایی مؤلفه‌های مدل حمایت مطلوب از بزه‌دیدگان سالمند» و همچنین «حمایت‌های تقنینی و کیفری در حقوق ایران، آمریکا و اسناد بین‌المللی راجع به آن» تهیه و در خاتمه چالش‌های حمایت حقوقی مطلوب از بزه‌دیدگان سالمند در نظام کیفری ایران و آمریکا مورد تبیین قرار گرفته است.

مفهوم‌شناسی و گونه‌شناسی

نگارندگان به منظور درک دقیق و همه‌جانبه موضوع به بیان مفاهیم اصلی و بنیادین تحقیق و همچنین گونه‌های خشونت علیه سالمندان در حقوق ایران و کشور آمریکا می‌پردازند.

۱- مفاهیم بزه‌دیده، سالمندآزاری و حمایت مطلوب

جرم زمانی تحقق پیدا می‌کند که تمام عناصر آن جمع باشد. بزه‌دیده (یا قربانی یا مجنی‌علیه) یکی از آن عناصر مهم است. در زبان پارسی کلمه «بزه» به معنی خطا و گناه و تقصیر می‌باشد (۱)، لذا به شخصی که بزه بر او واقع می‌شود، بزه‌دیده می‌گویند. کلمه بزه‌دیده از واژه «Victim» اقتباس گردیده که خود دربردارنده گستره وسیعی از انواع قربانی است و گونه‌های مختلف آن را دربر می‌گیرد. بزه‌دیده در اصطلاح علم حقوق به شخصی اطلاق می‌گردد که از وقوع جرمی متحمل ضرر و زیان گردد. مجمع عمومی سازمان ملل متحد در تعریف بزه‌دیده در اعلامیه «اصول اساسی عدالت برای بزه‌دیدگان یا قربانیان و سوءاستفاده از قدرت»، می‌گوید: «بزه‌دیده شخص یا اشخاصی هستند که به طور انفرادی یا گروهی بر اثر فعل یا ترک فعل که جرم به حساب می‌آید، متحمل صدمات بدنی، روانی، معنوی و اقتصادی می‌شوند و یا به حقوق اساسی‌شان آسیب وارد گردیده است» (۲).

برای ارائه تعریف مناسب از بزه‌دیده می‌گوییم: کسی است که بنا بر افعالی (یا ترک فعل‌هایی) که به تشخیص مقنن به عنوان جرم تعریف‌شده و توسط افراد ناقض قانون که مرتکب آن می‌شوند، دچار ضرر و آسیب بدنی، روانی، اقتصادی یا این‌که به حقوق اساسی وی لطمه وارد شده باشد (۳).

در حقوق آمریکا انواع مختلف سالمندآزاری وجود دارد که عموماً به عنوان خشونت علیه سالمندان شناخته می‌شود (۷)، از جمله:

- سالمندآزاری جسمی: به عنوان مثال، ضرب و شتم، مشت‌زدن، سیلی‌زدن، سوزاندن، هل‌دادن، لگدزدن، زندانی کردن، دادن داروهای بیش از حد یا نادرست و همچنین خودداری از معالجه و داروها.

- سالمندآزاری روان‌شناختی یا احساسی: با مصادیقی تحت عنوان تحقیرکردن و افعالی همچون فریادزدن، نام‌بردن، تمسخر، انتقاد مداوم، اتهام‌زدن و سرزنش‌کردن نیز به عنوان اشکال کلامی سالمندآزاری قلمداد می‌گردد (۸).

یا اشکال غیر کلامی مانند نادیده‌گرفتن، سکوت و اجتناب از عواطف.

- سوءاستفاده مالی از سالمندان: به عنوان استثمار مالی شناخته می‌شود که شامل سوءاستفاده از منابع مالی توسط اعضای خانواده، مراقبان یا افراد غریبه می‌گردد یا به کارگیری از ابزارهای مالی برای کنترل شخص یا تسهیل انواع دیگر سوءاستفاده‌ها (۹).

- سالمندآزاری جنسی: به عنوان نمونه وادارکردن شخص به مشارکت در هرگونه فعالیت یا مکالمات جنسی برخلاف رضایت خود.

- سالمندآزاری به شیوه غفلت و کم‌توجهی: مصادیقی چون محروم‌کردن شخص از معالجه مناسب پزشکی، غذا، گرما، پوشاک، آسایش، داروهای ضروری، خدمات مورد نیاز مالی و... و همچنین غفلت که می‌تواند شامل ترک یک فرد سالمند در معرض خطر باشد.

- سالمندآزاری از طریق رهاکردن: رهاکردن یک شخص وابسته به قصد ترک آن‌ها بدون مراقبت در مکانی برای مدت زمانی که احتمالاً سلامت یا رفاه آن‌ها را به خطر بیندازد.

- سالمندآزاری و اجحاف در حقوق: انکار حقوق مدنی و قانون اساسی شخص مسن، در حالی که ناتوانی ذهنی‌اش توسط دادگاه اعلام نشده است، لذا این مورد جنبه‌ای از سالمندآزاری است که به طور فزاینده در حال شناسایی و مورد پذیرش قرار گرفتن است (۱۰).

در حوزه مطالعات حقوقی درباره سالمندان، موضوع سالمندآزاری، به یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های جدید اندیشمندان و محققان این حوزه بدل شده است. این پدیده نوظهور، به دور از چشم‌ها و هرگونه ناظری، در خانه‌ها و یا آسایشگاه‌های مراقبتی، به صورت پنهانی به وقوع می‌پیوندد. دشواری‌های دیگری هم برای ارزیابی اندازه بزه‌دیدگی‌های سالمندان به چشم می‌خورد، از جمله این‌که سالمندآزاری در اسناد مکتوب علوم جنایی به منزله یک اصطلاح فنی مفهوم شناسی نشده و حتی در بسیاری از موارد به صورت یک بزه مستقل جرم‌نگاری نگردیده است. از نگاه دانشنامه جرم‌شناسی و کجروی، پدیده سالمندآزاری را می‌توان به طور کلی این‌گونه بیان کرد: تحقق هر فعل (یا ترک فعلی) که به ضرر شخص سالمند باشد، همچون بدرفتاری بدنی، روانی و بهره‌کشی مالی، عاطفی و بی‌توجهی فعال یا منفعل و هرگونه نقض حقوق مدنی وی (۴).

حمایت مطلوب یا شایسته به حمایتی اطلاق می‌گردد که دربرگیرنده سیاست تقنینی، قضایی و اجرایی متناسب با شرایط بزه‌دیده سالمند با پوشش حمایت‌های پزشکی، مالی، اقتصادی، حیثیتی و عاطفی و طرق خسارت‌زدایی در کم‌ترین زمان ممکن باشد.

۲- گونه‌های خشونت علیه سالمندان در حقوق ایران و آمریکا

سالمندآزاری (خشونت علیه سالمندان) در قوانین حقوقی کشور ایران مفهوم‌سازی نشده و صراحتاً نیز به منزله جرم بیان نگردیده است، به طوری که هیچ تعریف کارآمد و خرسند کننده‌ای از آن در دسترس نیست. دانشنامه جرم‌شناسی نیز عنوان سالمندآزاری را خشونت بر سالمندان به هر شکل (ارتکاب فعل یا ترک فعل) که به ضرر شخص سالمند باشد، می‌داند (۵).

با توجه به این تعاریف، بارزترین مصادیق از رفتارهای خشونت‌آمیز، شامل بدرفتاری بدنی، روانی، عاطفی، غفلت یا بی‌توجهی فعال یا منفعل و سوءاستفاده مالی و بهره‌کشی مادی و نقض حقوق مدنی سالمند می‌باشد (۶).

زمانی که این حمایت پزشکی، به صورت فراگیر و در حالت عادی نیز رایج و دایر باشد، یعنی علاوه بر حمایت خاص که در جرائم پیگیری شده رخ می‌دهد، در راستای حمایت از بزه‌دیدگان سالمند نیز بسیار مفید خواهد بود. به بیان دقیق‌تر، تحاکمیت، در فضای قانون آیین دادرسی جنایی و از حیث سیاست جنایی مشارکتی، از مجرای سازمان‌های غیر دولتی، تمهیداتی اندیشید (۱۲).

اگرچه از لحاظ حمایت پزشکی، رسیدگی به آسیب‌های جسمی، فوریت زمانی دارد، لکن این اهمیت، مانع از پرداختن به خسارات روحی و روانی و اقدام برای التیام و جبران آن‌ها نمی‌شود، چه این‌که مقوله سلامتی انسان، از منظر پزشکی، ابعاد و لایه‌های متفاوتی دارد. نکته حائز اهمیت این است که اگرچه امکان‌پذیرترین راه برای جبران خسارات جسمی و روانی ناشی از جرم، اخذ غرامت مالی است و گویا هرگونه جبرانی، با پرداخت وجه ملازمه دارد، و لکن این مقوله غیر از حمایت عاطفی است و منافاتی با آن ندارد (۱۳).

مع‌الاسف آنچه که در سیستم قضایی جنایی کشور شاهد آن هستیم، فقدان ساختاری منسجم و سیستماتیک و نظامی روشن برای حمایت پزشکی از بزه‌دیدگان و خاصه سالمندان بزه‌دیده است. مزید بر آن، مسایل و مشکلاتی است که سازمان پزشکی قانونی با آن مواجه است (۱۲).

در کشور آمریکا سازمان‌ها و نهادهایی با هدف خدمات رسانی پزشکی به بزه‌دیدگان سالمند، تحت عنوان «بنیاد ملی سالخوردگان (National Institute on Aging)»، «موسسه سلامت سالمندان (Health in Aging)»، «فدراسیون آمریکا جهت تحقیقات بر سالخوردگی (American Federation for Aging Research)» وجود دارد که عهده‌دار خسارت‌زدایی از بزه‌دیدگان سالمند از منظر پزشکی بوده و با ارائه خدمات درمانی، نقشی اساسی را در کاهش آلام بزه‌دیدگان سالمند ایفا می‌نمایند.

۲- حمایت‌های مالی

ضرورت جبران خسارات وارده به بزه‌دیده که از حقوق بنیادین اوست، ایجاب می‌کند که از سریع‌ترین و ممکن‌ترین روش، یعنی پرداخت غرامت استفاده شود. به عبارت دیگر

- اتهامات دروغین به عنوان خشونت علیه سالمندان: مهم است که بدانید اتهامات دروغین به عنوان خشونت علیه سالمندان نیز بسیار رایج هستند.

شناسایی مؤلفه‌های مدل حمایت مطلوب از بزه‌دیدگان سالمند

پرواضح است که منشأ وجودی و پیدایش سیاست جنایی، مقابله با پدیده مجرمانه بوده است و حاکمیت که مجری این امر است باید با به کارگیری عوامل قضایی و اجرایی خود، توأم با بهره‌گیری از توانایی‌ها و پتانسیل‌های جامعه مدنی ساختاری برسازد که بدین‌وسیله بر پدیده مجرمانه مسلط و آن را رصد و کنترل نماید.

مبارزه و مقابله با یک امر، مستلزم شناخت آن است و اهمیت حوزه جرم‌شناسی از اینجا نشأت می‌گیرد. بنابراین حاکمیت باید در تمام شئون مختلف از قبیل قانونگذاری و قضایی و اجرایی و نهادهای مدنی، بار حمایت از بزه‌دیده و مقابله با بزه‌کار را به دوش بکشد، چراکه در تعریف سیاست جنایی داریم که پیشگیری از بزه‌دیدگی خود وجهی از مقابله با بزه‌کاری و کنترل آن است، در نتیجه چنانچه شاهد هستیم، مراتب مختلفی از سیاست جنایی و همچنین اقتضائات گوناگون حمایتی از بزه‌دیده که ابعاد مختلفی دارد، ایجاب می‌کند که ساختار حمایتی منسجم و مطلوب برساخته شود تا هدف وجودی از سیاست جنایی چنانچه که باید، متحقق شود (۱۱). در هر یک از سطوح چهارگانه سیاست جنایی می‌توان جنبه‌ای از حمایت را در نظر گرفت که در الگوهای حمایتی ذیل قابل ارائه است:

۱- حمایت‌های پزشکی

ملموس‌ترین اثر جرم، آسیب‌های جسمی و روحی است که به بزه‌دیده وارد می‌شود و ارزش جان انسان‌ها لازم می‌نماید که مهم‌ترین اقدام در مواقع ارتکاب بزه، نجات جان بزه‌دیده و جبران آسیب‌های وی است. پرواضح که نیاز به برخی اقدامات درمانی باید فوراً (اورژانسی) و قبل از پیگیری قضایی صورت گیرد که اهمیت گواهی‌های مربوطه، آنجایی است که درمان‌ها را تأیید و اثبات خواهد ساخت.

این حمایت‌ها در دو بعد سیاست جنایی رسمی یا دولتی (مثل خسارت‌های معنوی در قانون آیین دادرسی جنایی) و هم از حیث سیاست جنایی مشارکتی (برای مثال، انجمن‌های حمایت از بزه‌دیده) است (۱۶).

به عبارت دیگر حمایت عاطفی، اقداماتی است که نسبت به بزه‌دیده انجام می‌شود به این هدف که ضررهای معنوی و عاطفی وی را در حد امکان کاهش و رنج‌های وی را التیام ببخشند. از این رو این کمک‌ها باید در قالب کمک‌های تخصصی روان‌شناسی و روان‌پزشکی باشد (۱۷). حمایت‌های عاطفی مذکور توسط مراکز تخصصی روان‌درمانی که دارای کادر متخصص هستند، امکان‌پذیر است، چراکه اهمیت این آسیب‌ها از یکسو و پیچیدگی ابعاد روانی انسان از دیگرسو، موجب شده که در ذهن عرفی، این حمایت‌های عاطفی در قالب خدمات روان‌شناسی منحصر شود، اما این ارتباط تنگاتنگ، مانع از آن نمی‌شود که طریق این حمایت را در مشاوره تخصصی روان‌شناسی و روان‌پزشکی منحصر بدانیم. چه بسیارند انجمن‌های خودجوشی که توسط افرادی از جامعه که خود پیش‌تر بزه‌دیده بوده‌اند، تشکیل یافته و شخص بزه‌دیده را تحت خدمات و کمک‌های خود قرار می‌دهند، چه این‌که تعامل روانی با یک بزه‌دیده، امر آسانی نیست، لذا وقتی خود بزه‌دیدگان سابق در مقام تعامل با بزه‌دیده فعلی قرار می‌گیرند، بسیار مؤثرتر خواهند بود. به موازات ایفای نقش مهم انجمن‌های مدنی، تعامل متخصصین روان‌شناسی با مراکز پزشکی قانونی نیز جلوه‌ای از اقدامات کاربردی سیاست جنایی مشارکتی است (۱۸).

سیاست جنایی مشارکتی در ایران بسیار نوپا و ضعیف است و نیازمند زمان است تا مرتبه خود را چنانکه باید در سیستم حقوق کیفری به دست آورد، لذا می‌بینیم نسبت به آسیب‌های روحی و روانی بزه‌دیده توجه شایانی به کمک‌های روان‌شناسانه نمی‌شود (۱۲). به عنوان مثال از مصادیق حمایت عاطفی و حیثیتی می‌توان عنوان «اعاده حیثیت» مندرج در ماده ۶۹۸ قانون مجازات اسلامی (بخش تعزیرات) را نام برد که در عین اندک‌بودن این موارد در قانون، باید در همسویی

اگرچه بسیاری از صدمات جبران‌ناپذیر است و نمی‌توان شخص را به حالتی که قبل از وقوع بزه داشت، برگرداند، ولی این مسأله مانع نمی‌شود که جبران خسارات را به وسیله پول تا آنجا که مقدور است محقق نساخت. بنابراین سهولت استفاده از این ابزار مالی، این امکان را ایجاد کرده است که انواع خسارات مادی و اقتصادی، عاطفی و روانی، از همین طریق جبران شود.

حمایت مالی هم در سطوح قانونگذارانه قضایی و اجرای سیاست جنایی رسمی یا دولتی (برای نمونه، در چارچوب قانون مجازات یا آیین دادرسی کیفری) و هم در سطح سیاست جنایی مشارکتی (برای نمونه، از گذر صندوق‌های ملی) پرداخت غرامت، متصور است (۱۴).

از جمله نهادها و سازمان‌هایی که در کشور آمریکا به منظور حمایت مالی از بزه‌دیدگان سالمند، فعالیت می‌نماید و سالانه گردش مالی خاصی را در راستای حمایت از حقوق بزه‌دیدگان سالمند رقم می‌زند، «مرکز ملی خشونت علیه سالمندان (National Center on Elder Abuse)» و «انجمن خدمات حمایت مالی از بزرگسالان (National Adult Protective Services Association)» می‌باشد که عهده‌دار تأمین خسارت مالی به بزه‌دیدگان سالمند می‌باشد.

۳- حمایت‌های عاطفی

اگر از منظری بسیط به ساحت انسان ننگریم، درمی‌یابیم که انسان بزه‌دیده از لحاظ بُعد روحی نیز مستقیماً و عمیقاً، لطمه و رنج خواهد دید، فلذا یکی از آثار مهم بزه‌دیدگی که باید برای جبران آن تلاش نمود، درد و رنج‌هایی است که ناشی از وقوع بزه است و روح و روان وی را دربر می‌گیرد و تأثیر و تأثیری در پی خواهد داشت که گاهاً به حالت ترس و خشم و غضب و کینه و وحشت، نمودار می‌گردد (۱۵).

حمایت‌های عاطفی در بسیاری از مصادیق عرفی شدیداً به مفهوم حمایت روان‌شناسانه نزدیک است که اغلب با مشاوره و جلسات و حتی به واسطه دوستان و خانواده بزه‌دیده نیز تحقق می‌یابد. بدین‌معنا جبران خسارت معنوی در بحث آیین دادرسی جنایی، در قالب حمایت‌های عاطفی و حیثیتی در بزه‌دیده‌شناسی حمایتی تبلور یافته است. جایگاه حاکمیتی

عاطفی به افراد بزه‌دیده، از جمله وظایف و مسؤولیت انجمن‌ها و سازمان‌های مذکور است. حمایت اجتماعی در این سطح با حمایت‌های مالی و عاطفی پیوند می‌خورد، زیرا نمودی از سیاست جنایی مشارکتی بزه‌دیده‌مدار به شمار می‌رود (۲).

۵- حمایت‌های تقنینی و کیفری

نگارندگان در ذیل، حمایت‌های تقنینی و کیفری از بزه‌دیدگان سالمند در پرتو قوانین حمایتی در خصوص خشونت علیه سالمندان در آمریکا، اسناد بین‌المللی و سپس حمایت از بزه‌دیده سالمند در حقوق ایران را به تفصیل بیان می‌دارند.

۵-۱- قوانین در خصوص خشونت علیه سالمندان در

آمریکا: افرادی که متهم به ارتکاب سالمندآزاری هستند، ممکن است طبق قانون کیفری عمومی (United States Code)، در دادگاه ویژه‌ای (به عنوان مثال به جرم ضرب و شتم، کلاهبرداری، سرقت، تجاوز به عنف) تحت پیگرد قانونی قرار بگیرند، لکن برخی از ایالات، قوانینی را اتخاذ نموده‌اند که مجازات‌هایی را در مورد سالمندآزاری در انواع مختلف آن ارائه می‌دهند (۱۹).

همچنین قوای مقننه برخی از ایالات، مجازات‌های سختگیرانه‌تری را نسبت به جرائمی که در آن شهروندان سالخورده قربانی می‌شوند تصویب کرده‌اند.

در قوانین ایالات متحده خدمات حمایت از بزرگسالان، به اختصار (APS) نوعی خدمات اجتماعی هستند که برای بزرگسالان سالخورده و بزرگسالان دارای معلولیت که مورد آزار و اذیت، سوءاستفاده مالی یا ... قرار گرفته‌اند، فراهم شده است. سرویس مذکور پیش‌بینی‌شده در قوانین آمریکا نیز مانند خدمات حمایت از کودکان، ایمنی، سلامتی و رفاه عمومی بزرگسالان، نیازهای ویژه را فراهم می‌کند (۲۰).

خدمات حمایتی که توسط دولت‌های ایالتی در قوانین تسهیل گشته به کلیه بزرگسالانی که در معرض بدرفتاری و بی‌توجهی قرار داشته و یا قادر به مراقبت و محافظت از خود نیستند، نسبت داده می‌شود. این قوانین، بزرگسالان ناتوان در هر سن و افراد سالخورده را نیز شامل می‌شود.

سیاست جنایی قضایی با این نوع احکام به دیده تردید نگریست.

از برجسته‌ترین نهادهایی که در کشور آمریکا به منظور حمایت‌های عاطفی و حیثیتی از بزه‌دیدگان سالمند در سال ۱۹۹۸ تأسیس گشته، «شبکه بین‌المللی پیشگیری از سالمند آزاری (The International Network for the Prevention of Elder Abuse)» و «بنیاد و شرکت ایچ ول ایالات متحده (Agewell Foundation USA Inc)» می‌باشد که با بهره‌گیری از روان‌شناسان و جامعه‌شناسان ماهر با قراردادن بزه‌دیده سالمند در فرآیند بهبود عاطفی، درصد زدودن آرام و رنج‌های روحی ناشی از ارتکاب جرم بر بزه‌دیدگان سالمند می‌باشند.

۴- حمایت‌های اجتماعی

اگر بر متدولوژی سیاست جنایی مشارکتی بزه‌دیده‌مدار متمرکز شویم، مهم‌ترین روش آن را نوعی حمایت اجتماعی خواهیم یافت که این حمایت عمدتاً توسط انجمن‌ها و ساختارهای مدنی تحقق یافته که منشأ و خاستگاه آن نیز، به طور عام خود مردم و بزه‌دیدگان پیشین هستند و به طور خاص نیز گاه‌ها توسط سازمان‌های غیر دولتی می‌باشند که اقدام به ایجاد چنین سازمان‌هایی نموده‌اند.

به عبارت دیگر مفهوم حمایت اجتماعی زمانی لباس عینیت به تن می‌کند و مصداق خارجی پیدا خواهد کرد که حاکمیت، با به کارگیری تمام ابزارهای خود و استفاده درست از پتانسیل جامعه و نهادهای مدنی و هدایت این قوا در قالب سیاست جنایی مشارکتی و در راستای حمایت از بزه‌دیده قدم بردارد، آنگاه می‌توان یک تصویری مطلوب و عام‌الشمول از پدیده حمایت اجتماعی را شاهد بود. از لحاظ سیر تاریخی می‌توان گفت که حمایت اجتماعی از زمان تحولات حقوق بشری در نیمه دوم قرن بیستم پدیدار شد (۱۶).

نهادهای اجتماعی حمایت از بزه‌دیده ممکن است سازمان‌های دولتی (مانند وزارتخانه‌ها) باشند که «دفتر حمایت از بزه‌دیدگان» در وزارت دادگستری آمریکا را می‌توان به عنوان نمونه ذکر کرد (۳). اطلاع‌رسانی به موقع و کافی به بزه‌دیدگان در تمام فرآیندهای جنایی، کمک‌های مالی و در موارد خاص، کمک‌های

مداخلات سرویس APS در قوانین ایالات متحده شامل موارد ذیل می‌گردد:

- ۱- دریافت و تحقیق گزارش‌های مربوط به موارد خشونت علیه سالمندان
- ۲- ارزیابی خطرات قربانی.
- ۳- ارزیابی توانایی قربانی در درک کامل از خطرات خود.
- ۴- تهیه یک طرح پرونده برای یک فرد بزرگسال مورد آزار.
- ۵- ترتیب مراقبت‌های لازم مانند پناهگاه اضطراری، مراقبت پزشکی، مشاوره حقوقی و خدمات مرتبط.
- ۶- نظارت بر ارائه خدمات.
- ۷- ارزیابی کلی از هر مورد (۸).

از سویی در پی تحولات نوینی که در راستای بزه‌دیده‌شناسی در آمریکا رخ داده، قانون حقوق بزه‌دیده (Crime Victim Rights Act) در سال ۲۰۰۴ توسط کنگره به تصویب رسیده که در این قانون حقوقی برای بزه‌دیدگان به رسمیت شناخته شده و تلاش گردیده که راهکارهایی برای اجرای آن در فرایندهای نظام عدالت کیفری در نظر گرفته شود.

با مذاقه در قانون حقوق بزه‌دیده ایالات متحده آمریکا، بزه‌دیده شخصی معرفی شده است که به طور مستقیم و بلافاصله در اثر ارتکاب جرم فدرال صدمه دیده است. با توجه به ذکر عبارت صدمه، به صورت مطلق می‌توان نتیجه گرفت که CVRA (قانون حقوق بزه‌دیده)، بزه‌دیدگان را فارغ از هر گونه صدمه، اعم از آسیب مادی یا معنوی مورد توجه قرار داده است (۲۱).

هرچند تصویب قوانین مربوط به بزه‌دیدگان و به خصوص CVRA را در ایالات متحده می‌توان تحولی مهم در راستای احقاق حقوق بزه‌دیدگان به حساب آورد، ولی برای بررسی دیدگاهی که حقوق این کشور به بزه‌دیدگان دارد، بررسی این قانون به تنهایی کافی نمی‌باشد، لذا باید در کنار بررسی CVRA به رویه قضایی دادگاه‌های ایالت متحده نیز که در پی بررسی و اجرای این قانون به وجود آمده نیز، توجه شود. بر این اساس می‌توان گفت مطابق آنچه که از رویه قضایی به دست می‌آید، قضات دادگاه‌های آمریکا در قبول بعضی از

حقوق مندرج در CVRA و یا در خصوص محدوده آن نظرات متفاوتی ابراز داشته‌اند.

۲-۵- **مقررات بین‌المللی:** از لحاظ سیر تاریخی، بحث سالمندان بزه‌دیده تا قبل از دهه ۱۹۸۰ میلادی جایگاه قابل توجهی در تحقیقات بزه‌دیده‌شناسان نداشت. بعد از آغاز دهه ۱۹۸۰ بود که عده‌ای از اندیشمندان و متخصصان حوزه روان‌شناسی، روان‌پزشکی، جامعه‌شناسی و جرم‌شناسی به تحقیق و تدقیق درباره پدیده سالمندآزاری پرداختند؛ این بررسی شامل ابعاد مختلفی همچون علل و عوامل شکل‌گیری و ایجاد زمینه‌های پیشگیری بوده است. این اقدامات که در قالب چندین کنفرانس جهانی و تهیه توصیه‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های مشورتی بوده است و در تعامل با سازمان‌هایی همچون شورای اروپا و سازمان ملل متحد و سایر نهادهای منطقه‌ای و بین‌المللی، جنبه‌ای بین‌المللی یافته است. محصول این فعالیت‌ها، اسنادی بین‌المللی بوده که عبارتند از: اولین سند بین‌المللی در مورد سالمندان، «برنامه اقدام بین‌المللی درباره سالمندی» که به موجب قطع‌نامه ۳۷/۵۱ در سال ۱۹۸۲ توسط مجمع عمومی تصویب شد. در سال ۱۹۹۱ یعنی ۹ سال بعد از موافقت با طرح قبلی، مجمع عمومی سازمان ملل متحد به موجب قطع‌نامه شماره ۹۱/۴۶ اقدام به تصویب سند دیگری به نام «اصول ملل متحد برای سالمندان» نموده که دربردارنده اصول هجده‌گانه در پنج شاخه (استقلال، مشارکت، مراقبت، خودسازی و شأن و منزلت) راجع به موقعیت سالمندان است (۲۲). از طرفی دیگر حاصل دومین اجلاس سران مجمع عمومی سازمان ملل متحد برای سالمندان، تصویب سند بین‌المللی دیگری است به نام «برنامه عمل بین‌المللی سال ۲۰۰۲ درباره سالمندی» که به طرح «اقدام مادرید - ۲۰۰۲» معروف است که به بررسی فرصت‌ها و چالش‌های سالخوردگی جمعیت در قرن ۲۱ می‌پردازد که موضوعات فراوانی را به منظور حمایت از قشر سالمندان در پی دارد.

از این رو نگارندگان در ذیل به بیان برخی از مهم‌ترین اسناد جهانی و منطقه‌ای، لوایح، اعلامیه و کنوانسیون‌های

مشترک بین‌المللی در راستای حمایت از بزه‌دیدگان سالمند پرداخته‌اند.

۱-۲-۵- در اسناد جهانی: یکی از اسناد جهانی در راستای حمایت از حقوق بزه‌دیدگان سالمند، «طرح بین‌المللی اقدام در مورد سالخورده‌گان» می‌باشد. این سند در سال ۱۹۸۲ مورد موافقت مجمع عمومی ملل متحد (قطع‌نامه ۳۷/۵۱) قرار گرفت و اولین سند بین‌المللی در مورد سالخورده‌گان می‌باشد که پیش‌تر در همان سال در مجمع جهانی برای سالخورده‌گان در شهر وین اتریش پذیرفته شده بود که به احترام شهر اجلاس مجمع، این سند را گاه (طرح وین) می‌خوانند، اما به تازگی برای تأکید بر مرتبط‌بودن این طرح با همه مناطق جهان، از آن به عنوان (طرح بین‌المللی) یاد می‌شود و دیگر سند بین‌المللی که ۹ سال بعد از سند نخست، یعنی در سال ۱۹۹۱ به موجب قطع‌نامه شماره ۴۶/۹۱ به تصویب رسید «اصول ملل متحد برای سالمندان» می‌باشد، اگرچه در این اسناد حمایت جامعی از سالمندان به عمل نیامده، لکن جای امیدواری است که وضعیت سالمندان و افزایش جمعیت سالمند در جهان، مراجع بین‌المللی را تا حدودی متوجه خود ساخته که قطع‌نامه‌هایی مختص آنان تصویب نمایند، اما آنچه که مهم است این‌که تصویب این اسناد به عنوان یک امر لازم و نه کافی شروع راهی است که باید تا حمایت کامل از سالمندان ادامه یابد، به گونه‌ای که حتی مانند زنان و کودکان در حمایت کیفری و انواع حمایت‌های دیگر نوعی الزام برای کشورها به وجود آید (۲۲).

همچنین قطع‌نامه ۳۴ / ۴۰ پیوستی دارد به نام اعلامیه «اصول بنیادی عدالت برای بزه‌دیدگان و قربانیان سوءاستفاده از قدرت» مصوب ۱۱ سپتامبر ۱۹۸۵ که این اعلامیه نیز همسو با هدف حمایت از بزه‌دیدگان سالمند است. این اعلامیه پس از تعریف بزه‌دیده در ماده یک، حقوق متعددی از جمله دسترسی به عدالت و رفتار منصفانه (مواد ۴ تا ۷)، جبران خسارت (مواد ۸ تا ۱۱)، پرداخت غرامت (مواد ۱۲ و ۱۳)، کمک‌ها و حمایت‌های لازم، غیر از حمایت کیفری (مواد ۱۴ تا ۱۷) را برای بزه‌دیدگان به طور کلی در نظر گرفته است.

از آنچه که در این سند دیده می‌شود، این‌گونه به نظر می‌رسد که بزه‌دیدگان سالمند و اقشار آسیب‌پذیر به طور جامع و مطلوب حمایت نشده، بلکه سند مزبور بیشتر درصدد جبران آثار بزه‌دیدگی در سطح کلان برآمده است.

از دیگر سندهای مهم در راستای حمایت از بزه‌دیدگان سالمند در عرصه جهانی، «بیانیه اجلاس سران ملل متحد» می‌باشد. در سال ۲۰۰۲ (فروردین سال ۱۳۸۱ ش.) دومین اجلاس سران به دعوت سازمان ملل، با شرکت وزرای بهداشت کشورها، معاونین آن‌ها و بسیاری از شخصیت‌های دیگر با انگیزه توجه به فرصت‌ها و نگرانی‌های سالخورده‌گی جمعیت در قرن بیست‌ویکم و توسعه جامعه‌ای برای همه سنین، پیرامون حقوق اجتماعی، بهداشتی و رفاهی سالمندان در اسپانیا برگزار گردید که پس از بحث و گفتگو سرانجام بیانیه‌ای را در ۱۷ بند به تصویب رساند (۲۳).

۲-۲-۵- در اسناد منطقه‌ای: از مهم‌ترین اسناد منطقه‌ای، «کنوانسیون‌های حقوق بشر» می‌باشند که در سطح مناطق مختلف جهان از جمله اروپا به کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و آزادی‌های اساسی و در آمریکا به کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر، در آفریقا به منشور آفریقایی حقوق بشر و ملت‌ها و همچنین در کشورهای اسلامی به اعلامیه حقوق بشر اسلامی به تصویب رسیده‌اند.

با نگاه به ماده بیست‌وپنجم کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر، حق حمایت قضایی را برای اشخاص آسیب‌پذیر به رسمیت شناخته که می‌توان آن را به نوعی حمایت از بزه‌دیدگان سالمند دانست. همچنین در بند چهارم «منشور آفریقایی حقوق بشر و ملت‌ها» با این تعبیر که «افراد سالمند و ناتوان همچنین حق دارند از اقدامات خاص حمایتی متناسب با حفظ نیازهای جسمی و روحی خود برخوردار باشند»، افراد مسن و ناتوان را مورد حمایت قرار داده است (۲۳).

از دیگر اسناد منطقه‌ای در راستای حمایت از حقوق بزه‌دیدگان سالمند، «اعلامیه اسلامی حقوق بشر» می‌باشد. در بند «الف» ماده ۳ سند مذکور به موضوعی اشاره شده که تعمیق در آن ما را به پاسداری از حقوق سالمندان بزه‌دیده فرا می‌خواند.

۳-۵- حمایت از بزه‌دیده سالمند در حقوق ایران:

پرواضح است که قشر سالمند در برابر بزه‌دیدگی و مراحل پس از آن مثل کشف جرم و رسیدگی و... موقعیت متفاوتی خواهند داشت که این تفاوت، مستلزم توجه خاص نظام کیفری به آنهاست تا در تمام تعاملات ایشان با دادگستری و نهادهای مربوطه، اقتضائات موقعیت و منزلت اجتماعی سالمندان را رعایت نموده و حقوق و تکالیف خاصی را لحاظ گرداند. فی‌المثل ضابطین کشف جرم و دادرسی باید حین رسیدگی به سن و واکنش آنها در قبال فریب‌خوردن و بزه‌دیدگی توجه تام داشته و توقع برخورد یک انسان متعارف و کاملاً هشیار را از این‌گونه بزه‌دیدگان نداشته و یا حتی در فرآیند دریافت ابلاغ‌ها و نحوه پاسخ‌دهی به آنها که متعاقباً مسؤولیت حقوقی خواهد داشت، آنان را نسبت به حقوق و تکالیف خودآگاه ساخته و هرگونه خدمات مشاوره‌ای درباره مراحل رسیدگی (کشف، تعقیب، تحقیق، محاکمه و اجرا) و استیفای حقوق خود و کمک‌های عاطفی و روانی دریغ ننمایند و ضمناً فضایی را ایجاد کنند که بزه‌دیده بدون هیچ‌واهمه‌ای، دیدگاه خود را درباره عدالت در فرآیند رسیدگی ابراز نماید (۲۴).

مقنن ایران نیز در مواد ۶۶ و ۷۱ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ در اقدامی شایسته، به حمایت از بزه‌دیده سالمند پرداخته و حق اعلام جرم سازمان‌های مردم‌نهاد (که اساسنامه آن در زمینه حمایت از اқشار آسیب‌پذیر می‌باشد) و حق تعقیب دادستان نسبت به جرائم ارتكابی بر اқشار ناتوان جسمی که سالمندان مصداقی از این گروه می‌باشند را محفوظ داشته است، لذا در ذیل به برخی از توجهات قانونگذار به بزه‌دیده سالمند در قوانین ماهوی ایران اشاره می‌نماییم.

۱-۳-۵- جرائم علیه تمامیت جسمی سالمندان: جرائم

علیه تمامیت جسمانی معمولاً به صورت ضرب و جرح یا هر آسیب بدنی دیگر نمود خارجی دارد که از نقطه نظر شدت یا ضعف صدمه یا کیفیت ارتكاب می‌تواند دارای آثار و نتایج متفاوتی باشد. گاه نتیجه سلب حیات از شخص زنده و گاه نیز موجب اختلالات خفیف‌تری می‌گردد که به صورت ضعف دائمی یا موقت اعضای بدن، سلب قدرت کارکردن و... ظهور

خارجی دارد (۲۵)، لذا در اینجا جرائم قتل، ضرب و جرح عمدی و رهاکردن افرادی که قادر به محافظت از خود نمی‌باشند در مناطق خالی از سکنه و دارای سکنه که یکی از مصدقین آن می‌تواند سالمندان باشد بررسی می‌شوند.

در بند «پ» ماده ۲۹۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، مقنن نسبت به بزه قتل که علیه یک شخص با موقعیت خاص (مثل ضعف، بیماری، مکان یا زمان خاصی که در تأثیر عنصر مادی قتل، مؤثر بوده باشد) - و البته قاتل نیز به آن آگاه باشد - انجام شده، قائل به تفکیک شده و آن را نیز قتل عمدی محسوب نموده، در حالی که فاعل نه قصد کشتن دارد و نه فعل نوعاً کشته‌ای را مرتکب می‌شود (۲۲).

همانطور که ملاحظه می‌کنیم، قانونگذار در بند «پ» ماده فوق‌الذکر به حمایت کیفری سالمندان دست زده است که خود نقطه عطفی است، اما در رابطه با نوع حمایت باید گفت شکی نیست که حمایت کیفری افتراقی است. بدین معنی که همان فعل، نسبت به این‌که علیه چه کسی (از حیث تفاوت موقعیت جسمی و مکانی و نه شخصیت یا مصونیت اجتماعی) واقع می‌شود، تفاوت قائل شده است. به عبارت دیگر مقنن در این بند، علم و آگاهی قاتل نسبت به موقعیت خاص بزه‌دیده را (که مثلاً می‌تواند یک سالمند باشد) عامل تعیین‌کننده‌ای قلمداد نموده که می‌تواند مجازات آن فعل را شدیداً متفاوت نماید، از این‌که همان فعل نسبت به یک بزه‌دیده با موقعیت عادی واقع شده باشد. پس عنصر مادی این جرم، ارتباط تنگاتنگی با همان موقعیت خاص بزه‌دیده دارد که او را از دیگران متمایز گردانده است و این امتیاز را می‌توان حمایت مقنن کیفری از افراد کم‌توان، سالمندان و یا افراد دارای موقعیت خاص دانست (۲۵).

از دیگر مواردی که مقنن درصدد حمایت از بزه‌دیده سالمند برآمده، رهاکردن سالمندان موضوع ماده ۶۳۳ ق.م.ا (بخش تعزیرات) می‌باشد که عمل مذکور را مورد حکم قرار داده و جرم‌انگاری نموده است. ماده فوق‌الذکر این‌گونه مقرر می‌دارد: «هرگاه کسی شخصاً یا به دستور دیگری طفل یا شخصی را که قادر به محافظت از خود نمی‌باشد، در محلی که خالی از سکنه است رها نماید به حبس از شش ماه تا دو سال

زندگی، دایره فرسودگی، گستره‌ای از توان و انرژی افراد را تنگ‌تر و استقامت و شدت فعالیت‌های ما را محدودتر می‌سازد. همین امر بهانه‌ای به دست بعضی از افراد می‌دهد تا مجموعه ارزشمند سالمندی، که حاوی توانایی‌های بالقوه است را فراموش کرده و آن‌ها را مورد توهین و فحاشی قرار دهند، در حالی که در سنین بالا، ضعف قوای جسمانی و دماغی، از دست‌دادن همسر، تنهایی، بازنشستگی و مشکلات دیگر، سالمندان را حساس‌تر و آسیب‌پذیرتر می‌سازد، فلذا شایسته است تا مقنن، با توجه به وضعیت آسیب‌پذیری سالمندان و توجه به این امر که این گروه را به لحاظ وضعیتشان می‌توان بزه‌دیدگان مستعد آسیب‌پذیری دانست، به طوری که وقوع برخی از جرائم (از جمله توهین، فحاشی و...) علیه آنان ممکن است آثار جبران‌ناپذیر معنوی را به دنبال داشته باشد. بنابراین باید دست به حمایت کیفری از نوع تشدید مجازات بزند، چراکه ممکن است یک توهین ساده، به لحاظ آسیب‌پذیر بودن این افراد متعاقباً منجر به ظهور بیماری‌های شدیدی برای آنان شود، البته تغییر برخی از جرائم از جمله قذف که به دلیل حدی بودن، تشدید مجازات آن امکان‌پذیر نمی‌باشد، لکن حمایت کیفری از نوع تشدید مجازات در جرائم توهین، افتراء، نشر اکاذیب و... یک ضرورت است که باید مورد توجه و همت مقنن قرار گیرد (۲۲). از جهتی دیگر لازم است که قانونگذار همانطور که توهین و مزاحمت برای اطفال و زنان را در ماده ۶۱۹ ق.م.ا. جرم‌انگاری نموده و جنبه اجتماعی برای آن قائل شده، در راستای جلوگیری از بزه‌دیدگی سالمندان، آنان را نیز مشمول حکم مندرج در آن ماده قرار دهد.

چالش‌های حمایت حقوقی مطلوب از بزه‌دیدگان سالمند

در نظام کیفری ایران

افزایش بزه‌دیدگی سالمندان در بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته موجب معطوف‌شدن توجه به این گروه سنی شده است. در ایران نیز از مدت‌ها قبل مقدمات برنامه حمایت از سالمندان ایجاد شده و بر این اساس نهادهای مختلفی وظیفه برنامه‌ریزی برای این گروه را متعهد شده‌اند، اگرچه رویکرد سیاست‌حمایتی ایران از سالمندان، رویکردی چند نهادی به

و یا به جزای نقدی از سه میلیون تا دوازده میلیون ریال محکوم خواهد شد و اگر در آبادی و یا جایی که دارای سکنه باشد، رها کند تا نصف مجازات مذکور محکوم خواهد شد و چنانچه این اقدام سبب وارد آمدن صدمه یا آسیب یا فوت شود، رهاکننده علاوه بر مجازات فوق حسب مورد به قصاص یا دیه یا ارش نیز محکوم خواهد شد.»

همانطور که ملاحظه می‌کنیم، مقنن در این ماده نیز به جرم‌انگاری افتراقی در خصوص اشخاص آسیب‌پذیر که قادر به حمایت از خود نمی‌باشند، دست زده است که یکی از مصادیق اشخاص آسیب‌پذیر مشمول ماده، می‌تواند سالمندان باشد، زیرا همان عاملی که اطفال را موضوع این حکم قرار داده و آنان را متمایز گردانده، آن ناتوانی در سالمندان نیز موجود است و وجه مشترک این دو دسته همان عاملیست که قانونگذار این ماده را وضع نموده است (۲۲).

۲-۳-۵- جرائم علیه تمامیت روانی و معنوی سالمندان: یکی از بارزترین جرائم ارتكابی علیه تمامیت روانی و معنوی سالمندان، در قلمرو جرائم مواد مخدر می‌باشد. در خصوص مواد مخدر، بزه‌کاری و بزه‌دیدگی سالمندان متفاوت از سایر افراد است (۲۶). سالمندان به علت آسیب‌پذیری بیشتر، ممکن است مورد سوءاستفاده دیگران برای ارتكاب جرائم شوند و بدین‌سان خود، قربانی رفتارهای مجرمانه باشند. برخی از جرم‌شناسان، مصرف‌کنندگان و معتادان مواد مخدر را «بزه‌دیدگان مستقیم» این جرائم، برخی دیگر «بزه‌دیدگان غیر حقیقی یا مجازی» و گروهی دیگر از جرم‌شناسان هم آن‌ها را «بزه‌دیده نمی‌دانند» (۲۷).

سالمندانی که در خیابان و یا در خانواده‌ای که دارای عضو معتاد هستند، زندگی می‌کنند، اکثراً بزه‌دیده جرم خرده‌فروشی مواد مخدر می‌شوند. به عنوان نمونه در بررسی‌ها مشاهده شد که فروشندگان مواد مخدر در خیابان به منظور رهایی از پلیس، مواد مخدر را در وسایل یا جیب سالمندان خیابانی می‌گذاشتند و وانمود می‌کردند که این مواد متعلق به سالمندان است (۲۲).

از دیگر جرائم ارتكابی علیه تمامیت روانی و معنوی سالمندان، توهین و فحاشی می‌باشد. با گذشت هر دهه از

نظر می‌رسد و سازمان‌هایی از جمله بهزیستی، مؤسسات خیریه و داوطلب، شهرداری‌ها، وزارت بهداشت و درمان، تأمین اجتماعی، کمیته امداد، سازمان بازنشستگی و بیمه‌گر، وزارت رفاه و امور اجتماعی متولی ارائه خدمات به سالمندان می‌باشند، لکن با توجه به روزآمد نبودن برخی از قوانین مربوطه و همچنین عدم تخصیص بودجه کافی و وافی در این خصوص، ارائه خدمات به صورت کلی و محدود بوده و بدین جهت علی‌رغم چندنهادی بودن سیاست حمایتی ایران از سالمندان، متأسفانه حمایت شایسته و مطلوبی را نسبت به این گروه از بزه‌دیدگان شاهد نمی‌باشیم.

به طور کلی، عمده چالش‌های حمایت حقوقی مطلوب از بزه‌دیدگان سالمند در نظام کیفری ایران عبارتند از: فقدان تدابیر پیشگیرانه از بزه‌دیدگی سالمند، عدم وجود سازوکارهای خسارت‌زدایی از بزه‌دیده سالمند از طریق ترجیح جبران خسارت بر حکم به جزای نقدی، لزوم درخواست زیان‌دیده به جبران خسارت و همچنین قضایی بودن رسیدگی به جبران خسارت که هر یک از موارد معنون به تفکیک در ذیل بیان می‌گردد.

۱- پیشگیری از بزه‌دیدگی سالمند

یکی از ابعاد مهم حمایت از سالمندان بزه‌دیده، مسأله پیشگیری است. بدین‌معنا که در حوزه آگاهی‌بخشی به سالمندان: از تحولات روز و مسائلی که زمینه بزه‌دیدگی آنان را فراهم می‌نماید. همچنین برنامه‌های آموزشی متناسب، ارتقای توان اقتصادی و ایجاد فضای مناسب تفریحی برای سالمندان و خانواده‌هایشان و دیگر مسائل (۲۴).

تدابیر حمایتی برای پیشگیری از بزه‌دیدگی سالمندان بدین منظور است تا در عین این افزایش سطح ارتباط سالمندان با متن جامعه، از خطرات و مفاصد بزه‌دیدگی‌های جامعه نیز در امان باشند، لذا این حمایت ابعاد متنوع و گسترده دارد که عبارت‌اند از: ایجاد امکان حضور سالمندان در مراکز مختلف آموزشی در سطوح مختلف، همچنین حضور در مراکز فرهنگی و علمی و تفریحی، در راستای تعامل بیشتر و جلوگیری از انزوا و مطرود شدن توسط نسل جدید. احداث مکان‌های متناسب سالمندان جهت تفریح و ارتباطات دسته

جمعی. ایجاد تغییراتی در سطح شهر برای تسهیل در تردد و استفاده آنان از تمام امکانات عمومی. آموزش و پرورش نسل جوان به منظور بهبود رفتار آنان با سالمندان که مستلزم درک بهتر موقعیت سالمندان و درک درست فرآیند پیری توسط جوانان است. همچنین آگاهی‌بخشی در راستای مراقبت‌های عمومی بهداشتی و پزشکی و آسیب‌پذیری بالای آن‌ها، ارائه ساختاری مناسب برای مراقبت‌های عمومی از سالمندان در خانه، فراهم نمودن امکانات اخذ مشاوره خانوادگی و سلامت روانی برای خانواده دارای سالمند، احداث خانه‌های سالمند و سالن‌های ورزشی مخصوص، با فضایی مناسب، تأمین اجتماعی سطح بالا در سطح درمانی و اقتصادی، به طوری که انواع هزینه‌های مراقبت و درمانی و پرداخت مستمری به آنان را شامل شود. همچنین باید جامعه را نیز در قبال بیماری‌های روانی سالمندان آگاهی بخشید تا زمینه‌های پیشگیری و درمان زودهنگام آن میسر باشد و در صورت ابتلا، به بهترین نحو با آنان رفتار شود. ایجاد موقعیت‌های مناسب برای درآمدزایی و اشتغال مناسب با توانایی‌ها و استفاده از تجارب تخصصی آنان در مباحث اقتصادی، فرهنگی (اعم از شهری و روستایی) و امور داوطلبانه که البته به افزایش سطح تعامل آنان با جامعه نیز کمک خواهد کرد. گسترش و نهادینه کردن آموزه‌های اخلاقی مبتنی بر ارزشمندی و منزلت والای سالمندان علی‌رغم توان اندکشان در تولید اقتصادی، ترغیب سالمندان به مشارکت بیشتر در امور خانواده و محدوده افراد نزدیک خود، آموزش اقتضائات برخورد و متد درمانی سالمندان به مددجویان درباره نگهداری و مراقبت از آنان، ایجاد تسهیلات مالی برای سازندگان خانه سالمندان، اعطای انواع امتیازها و تخفیف‌ها برای استفاده از امکانات رفاهی درون شهری و حتی مسافرت‌های بین شهری و معافیت‌های مالیاتی برای سالمندان، ایجاد انجمن‌های مخصوص سالمندان با اختصاص بودجه برای گسترش آن، ایجاد حوزه پلیسی مخصوص برای حفاظت از سالمندان، ترغیب و تأیید شرکت‌ها برای مراقبت صحیح و اصولی از سالمندان و حمایت از آنان در راستای جلوگیری از سوءاستفاده از سالمندان (۲۴).

خیال نسبت به حفظ حقوق خود ندارد و موقعیت خود را متزلزل می‌بیند، این خود نوعی بزه‌دیدگی است که به خاطر محیط ناامنی که شخص سالمند را احاطه نموده، پتانسیل بالای بزه‌دیده‌بودن (A Higher Structural Victimization Potential) آنان را نشان می‌دهد. به عبارت دیگر سالمندان نیازمند هستند که احساس آرامش نسبی داشته باشند. نسبت به وضعیت خود و اتفاقات احتمالی و حمایت جامعه از ایشان، این حس اطمینان خاطر از مجرای تعامل هرچه بیشتر جامعه با سالمندان - در راستای تقویت متدهای کنترل روانی و القای وجود بستری مناسب برای حمایت معنوی از آنان - ایجاد می‌گردد. در پس همین سکونت خاطر است که در یک معنا، پیشگیری از وقوع جرم محقق گشته و سالمندان را از احتمال بزه‌دیدگی و ترس از آن محافظت نموده‌ایم (۲۸).

۲- خسارت‌زدایی از بزه‌دیدگان سالمند

از عمده چالش‌های مورد بحث در این زمینه، ترجیح جبران خسارت از بزه‌دیده سالمند بر حکم به جزای نقدی می‌باشد. بدیهی است که دادگاه در موقع صدور حکم ابتدا باید جبران خسارت بزه‌دیده را مد نظر داشته و در مرحله بعد حکم به جزای نقدی دهد، به این معنا که اگر اموال بزه‌کار برای جبران خسارت بزه‌دیده و جزای نقدی کفایت نکند جبران خسارت، بر جزای نقدی ترجیح دارد به عبارت دیگر حق مدعی خصوصی بر مدعی عمومی مقدم است.

مبنای تقدم حق بزه‌دیده بر حق دولت را می‌توان در این نکته دانست که میزان آسیب‌پذیری بزه‌دیده حقیقی به ویژه بزه‌دیده سالمند و امکان تزییع حقوق او در مقابل حقوق عمومی بیشتر می‌باشد. همچنین می‌توان چنین گفت که بزه‌دیدگی سالمندان ملموس‌تر از بزه‌دیدگی جامعه و دولت است، ضمن آنکه امکانات دولت برای جبران و ترمیم خسارات وارده بر خود و جامعه، به مراتب بیشتر از بزه‌دیده حقیقی می‌باشد.

لذا این اصل هم در حقوق ایران، هم در فقه اسلامی و هم در سایر نظام‌های حقوقی مثل کامن لا مورد تأکید واقع شده و شواهد متعددی برای آن نیز وجود دارد (۲۹).

بدیهی است یکی از سازمان‌هایی که می‌تواند نقش به‌سزایی در پیشگیری از بزه‌دیدگی سالمندان از طریق آگاهی عمومی نسبت به آماج جرائم و طرق پیشگیری از بزه‌دیدگی در شرایط خاص ایفا نماید، صدا و سیما می‌باشد. لزوم آموزش از طریق به‌کارگیری کارشناسان ماهر در زمینه جرم‌شناسی پیشگیری در رسانه ملی و همچنین تخصیص بودجه کافی در زمینه تهیه برنامه‌های فوق می‌تواند چالش‌ها و خلأهای پیرامون پیشگیری از بزه‌دیدگی سالمندان را در ایران مرتفع سازد.

با مذاقه در قوانین و رویه کشور آمریکا درمی‌یابیم پزشکان، پرستاران و سایر پرسنل پزشکی می‌توانند نقش مهمی در کمک به قربانیان سالمند ایفا کنند، اگرچه آگاهی نسبت به خشونت علیه سالمندان افزایش پیدا کرده با این حال طبق آمار، پزشکان تنها ۲٪ از این وضعیت‌ها را گزارش می‌دهند.

از جمله دلایل پایین‌بودن آمار گزارش‌ها را می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

- عدم دانش از قوانین ایالتی در مورد سالمندآزاری.

- نگرانی از عصبانیت فرد خاطی و خراب‌کردن رابطه با بیمار سالمند.

- حضور در دادگاه.

- عدم همکاری بیماران سالمند یا خانواده.

- کمبود وقت و بازپرداخت (۱۷)

آموزش و تمرین افراد در سیستم عدالت کیفری از جمله پلیس، دادستان و دستگاه قضایی و همچنین افزایش قانون جهت حمایت از سالمندان می‌تواند به کم‌کردن خشونت‌ها کمک کند، به علاوه شرکت افراد جامعه در پاسخ به این‌گونه اذیت و آزارها منجر به افزایش امنیت سالمندان می‌شود (۱۰).

بنا بر پژوهش‌های حقوق آمریکا درباره سالمندان، یک نکته مهم به چشم می‌خورد و آن این‌که اساساً میان این‌که شخص واقعاً مورد بزه واقع شود، با حالتی که شخص احتمال وقوع بزه را زیاد می‌بیند و ترس روانی دارد، تفاوتی نیست! یعنی وقتی یک سالمند به خاطر وجود انواع ناامنی‌های اجتماعی و اقتصادی، فرهنگی، عدالت دادگستری و... آرامش

از بزه‌دیده در گرو همکاری و مشارکت دولت با جامعه مدنی در چارچوب یک سیاست جنایی مشارکتی است. امروزه سالمندان بزه‌دیده به عنوان یک نهاد - که بدان پرداخته شود و اقدامات عینی در سطح کلان و ساختاری انجام شود - در سیستم حقوقی ایران جایگاهی ندارد، زیرا شاهدیم حمایت‌ها در همان مرحله سیاست جنایی تقنینی و آن هم در چارچوب حمایت کیفری باقی مانده است.

بدین‌منظور می‌توان به بند «پ» ماده ۲۹۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ اشاره کرد که در آن «پیری» از ملاک‌های آسیب‌شناختی در رکن مادی جرائمی چون قتل، قطع یا جرح عضو بوده که در حکم عمد شناخته شده است و دیگر می‌توان ماده ۶۳۳ همان قانون را یادآور شد که اشعار می‌دارد: اگر شخصی را که قادر به محافظت از خود نیست در محیطی خطرناک و متروکه رها کنیم، مجرم هستیم. پرواضح است که سالمندان نیز همچون اطفال، متصف به همان صفت ناتوانی محافظت از خود هستند، لکن در ایالات متحده آمریکا در قانون Code States United، علاوه بر قانونگذاری حمایت‌مدارانه از بزه‌دیده به طور عام، در قانون خاصی نیز تحت عنوان CVRA (قانون حقوق بزه‌دیده) در رابطه با حفظ و حراست از حقوق بزه‌دیده و خسارت‌زدایی از آن تعیین تکلیف گردید. از طرفی دیگر حدود خسارت‌زدایی از بزه‌دیده از منظر حمایت‌های پس از وقوع جرم (حمایت‌های درمانی، خدماتی، مالی و...) در قوانین آمریکا نسبت به ایران به مراتب گسترده‌تر می‌باشد، لذا با توجه به موارد عنوان‌شده در نوشتار حاضر پیشنهاد می‌گردد تا مقنن با به کارگیری از آخرین یافته‌های علم جرم‌شناسی، بزه‌دیده‌شناسی و اسناد بین‌المللی در به روزرسانی قوانین و مقررات و همچنین استمداد از نهادها و سازمان‌های مربوطه، از جمله بهزیستی، مراکز خدمات درمانی، شرکت‌های بیمه، سازمان‌های مردم‌نهاد (NGO) و... خلأهای قانونی موجود در راستای حمایت از حقوق بزه‌دیدگان سالمند را مرتفع سازد. از طرفی دیگر در راستای حمایت از حقوق بزه‌دیده در عرصه بین‌الملل که نمود آن در اسناد جهانی و منطقه‌ای از جمله «طرح بین‌المللی اقدام در مورد سالخورده‌گان»، «اصول ملل متحد برای سالمندان» و اعلامیه

از دیگر چالش‌های مورد بحث در خسارت‌زدایی از بزه‌دیدگان، خاصه، بزه‌دیده سالمند، لزوم تقاضای زیان‌دیده از دادگاه می‌باشد، لذا از آنجایی که ماهیت مسؤلیت بزه‌کار نسبت به جبران خسارت بزه‌دیده، دین است و احکام دین نیز بر آن مترتب است. بنابراین دادگاه زمانی می‌تواند به جبران خسارت حکم دهد که بزه‌دیده متقاضی آن باشد و مادام که بزه‌دیده یا قائم مقام او تقاضا نکرده باشد، دادگاه نمی‌تواند حکم به جبران خسارت دهد، لکن اگر ماهیت مسؤلیت بزه‌کار مجازات بود، می‌توانستیم بگوییم که حکم به جبران خسارت نیازمند تقاضای بزه‌دیده یا قائم مقام وی نیست (۲۹).

از دیگر چالش‌های موجود در راستای خسارت‌زدایی از بزه‌دیدگان خاصه بزه‌دیده سالمند، قضایی‌بودن رسیدگی به جبران خسارت می‌باشد، لذا مراد از این اصل آن است که رسیدگی به شکایت و دعوی جبران خسارت بزه‌دیده و اثبات آن و همچنین صدور حکم به جبران خسارت، همه و همه باید به وسیله قوه قضاییه و نهادهای قضایی صورت گیرد و نه خارج از قوه قضاییه، لذا توضیح بیشتر آنست که در کشور آمریکا جبران خسارت بزه‌دیده توسط دولت را به عهده نهادها و سازمان‌هایی گذاشته‌اند که گاهاً خارج از قوه قضاییه و دستگاه‌های قضایی می‌باشند. بنابراین اگر این امر در جبران دولتی خسارت توجیه داشته باشد، به خصوص در فرضی که مبنای مسؤلیت دولت، مسؤلیت اجتماعی باشد و نه مسؤلیت مدنی، پرواضح است که جبران خسارت توسط بزه‌کار توجیه نداشته و بررسی و حکم جبران خسارت باید توسط دستگاه‌های قضایی صورت پذیرد.

نتیجه‌گیری

تنوع و گوناگونی لایه‌ها و ابعاد سیاست جنایی، در ارتباط با بزه‌دیده‌شناسی حمایتی، این امکان را می‌یابد که به یک ساختار چندبعدی حمایتی منجر شود که اصل و اساس آن را سیاست جنایی تقنینی می‌سازد.

دستگاه قضایی نیز می‌تواند در سطح سیاست جنایی قضایی، با اجرای دادگری نسبت به بزه‌دیدگان سالمند، از حقوق آنان هرچه بهتر حمایت نماید. سرانجام تضمین حمایت

«اصول بنیادی عدالت برای بزه‌دیدگان و قربانیان سوءاستفاده از قدرت» تلاش‌هایی صورت پذیرفته که خود گویای توجه به سالمندان بزه‌دیده در عرصه بین‌المللی است، لکن از منظر نگارندگان، لزوم تدوین اسناد بیشتر در این خصوص محسوس می‌باشد.

References

1. Dehkhoda AA. Dictionary. 14th ed. Tehran: University of Tehran Press; 1967. Vol.3 p.4093.
2. Viano E. Bezeh-Dideh Shenasi. Translated by Mehra N. Tehran: Majaleye Thghighate Hoghoughi 1997. p.29, 54.
3. Kordalivand RA. Victim. Tehran: Majd Publication; 2000. p.46, 130.
4. Shiri A. Dignity-oriented treatment of victims. *Prevention of crime Studies Journal* 2007; 2(4): 17-58.
5. Christine L. An Introduction to Criminal Policy. Translated by Najafi-Abarnad-Abadi AH. 7th ed. Tehran: Mizan Publication; 2018. p.259.
6. Tale'-zari A'. Victims in the new criminal order. 1st ed. Teharan: Ketabe Ava Publication; 2017. p.142.
7. Bryan A, Garner Ed. Blacks' Law Dictionary. 7th ed. USA: Thomson West; 2004. p.236.
8. Dussich JPJ. Some Theoretical and Pragmatic Observations on the Abuse of Power. In: Lowen J. Victims and Criinal Justice. 1st ed. Freiburg: Criminological Research Report by the Max-Planck-Institiute; 1991. Vol.51 p.88, 362.
9. Kosovski E. Minorites as Victims: Pride and Prejudice. In: Lowen J. Victims and Criminal Justice. 1th. Freiburg: Criminological Research Report by the Max-Planck Institute; 1991. Vol.51 p.174.
10. Bachrach M. The Protection and Rights of Victims under International Criminal Law. *International lawyer Journal* 2000; 34(1): 74-85.
11. Berjes OV. Victimology: Theories and Applications. Tehran: Mizan Publication; 2016. p.233.
12. Rayejian-Asli M. Victimology and Criminal Science. 1st ed. Tehran: Shahre Danesh Publication; 2011. Vol.1 p.89, 93, 125.
13. Mirkhani M. Foundations of Rehabilitaion. Tehran: State Welfare Organization of Iran Publication; 1999. p.41.
14. Najafi-Abarnad-Abadi AH. Justice Roundtable for Victims. *Legal Journal of Justice* 2005; 52(1): 198-211.
15. Carrabine E, Paul I, Maggy L, Ken P, Nigel S. Criminology A Sociological Introduction. London: Routledge Publication; 2004. p.142.
16. Rayejian M. Protective Victimology. Tehran: Dadgostar Publication; 2011. p.99, 102.
17. Dignan J. Understanding Victims and Restorative Justice. London: Open University Press; 2005. p.142, 211.
18. Ryahi ME. Investigating the Social Dimensions and Consequences of Elderly Health in Iran. *Proceedings of the First Conference on Health and Aging* 2006; 1(1): 69-81.
19. Bassiouni MC. International Protection of Victims. 1st ed. Paris: Association International De Droit; 1988. p.69.
20. Erez E. Victim Participation in Sentencing, Sentence Outcome and Victim's Welfare. In: Lowen J. Victims and Criminal Justice. Freiburg: Criminological Research Report by the Max-Planck Institute; 1991. Vol.51 p.142.
21. Fattah E. Understanding Criminal Victimization. Ontario. Scarborough: Prentice-Hall; 1991. p.97.
22. Zakavi M. Specific victims in the light of supportive victimology. Tehtan: Majd Publication; 2011. p.132, 147, 152, 154-156. [Persian]
23. Amir-Arjomand A. Collection of International Human Rights Documents. Tehran: University of Shahid Beheshti Publication; 2002. p.111, 126.
24. Hajitabar-Firouzjai H. Differential supportive victimology. Tehran: Jangal Publication; 2012. p.92, 214, 216.
25. Zera'at A. Description of the Islamic Penal Code. Tehran: Majd Publication; 2015. p.246, 279.
26. Samavati A. American Criminal Law. Tehran: Negahe Bayeneh Publication; 2004. p.74.
27. Zandi MR. Preliminary Research in Cybercrime. Tehran: Jangal Publication; 2005. p.99.
28. Kuhner TK. The Status of Victims in the Enforcement of International Criminal Law. *Oregon Review of International Law* 2004; 95(2): 302-315.
29. Haji-Deh-Abadi A. Compensation to the victims at the expense of the government and public institutions. Tehran: Publications of the Institute of Islamic Culture and Thought; 2008. p.128, 131.